

## حاج شیخ احمد کافی رحمته الله علیه

محمد تقی ادهم نژاد

### چکیده:

شیخ احمد کافی رحمته الله علیه از خطبای معروف ایران در سال ۱۳۱۵ش در مشهد مقدس به دنیا آمد و تحصیلات خود را در این شهر و همچنین در قم، نجف اشرف، و در نزد بزرگانی چون آیات سید اسداله مدنی، حسین راستی کاشانی، سید مرتضی فیروز آبادی و... به پایان رساند و آن گاه در سال ۱۳۴۳ش در تهران رحل اقامت افکنده و مشغول فعالیتهای تبلیغی، اجتماعی گردید. او پایه گذار مهدیه تهران بود و اجرای مراسم دعاهاى کامل و ندبه او، شور و حرارت خاصی داشت و به خاطر سخنرانیهای تند و افشاگرانه، بارها توسط ساواک دستگیر و زندانی و تبعید شد. مرحوم کافی در میان مردم ایران دارای محبوبیت و شهرت خاصی بود. آثار و خدمات فرهنگی، اجتماعی فراوانی به یادگار گذاشت و در نهایت در اول مرداد ۱۳۵۷ برابر با ۱۵ شعبان [میلاد حضرت مهدی علیه السلام] در مسیر قوچان به مشهد بر اثر یک سانحه تصادف مشکوک جان به جان آفرین تسلیم کرد و پیکرش در قبرستان خواجه ربیع مشهد مقدس به خاک سپرده شد.

### کلید واژه:

کافی، تحصیلات حوزوی، فعالیتهای تبلیغی، خاطرات تبلیغی.

## مقدمه:

۳۴ سال از رحلت جانگداز حاج شیخ احمد کافی می‌گذرد و خلأ وجودی این محبّ عاشق همچنان در میان عاشقان و ارادتمندان به خاندان رسالت و امامت کاملاً محسوس است؛ اما خاطره اش برای همیشه در دلهای مؤمنان زنده و پایدار است.

## دوران شکوفایی

مرحوم کافی، دوران کودکی خود را در محیطی سرشار از علم و معنویت سپری کرد. او تعلیم قرآن را در نزد معلمی فرزانه به خوبی فرا گرفت و ضمیرش با نور آیات قرآن روشن گردید و آن آگاه با اشتیاقی وصف ناپذیر به فراگیری دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی، مثنوی معنوی، اشعار جودی، نصاب الصبیان و... پرداخت و همزمان به فراگیری ادبیات علوم اسلامی مشغول گردید و به موازات تحصیل علوم دینی، به فراگیری علوم جدید نیز اشتغال ورزید و در سن ۶ سالگی وارد مدرسه غیردولتی [ایمان] شد که تحت مسولیت عالم ربانی مرحوم حجت الاسلام سید حسن مؤمن زاده بود. وی بعد از مدتی وارد حوزه علمیه مشهد شد و سپس در سال ۱۳۳۳ش به همراه جدش آیت الله میرزا احمد کافی، جهت ادامه تحصیل و تکمیل معلومات به نجف اشرف عزیمت نمود و در مدرسه سید یزدی سکنی گزید و به مدت پنج سال در فضای ملکوتی و معنوی آن حوزه کهنسال از خرمن دانش بیکران عالمان نامدار، بهره مند شد. اسامی برخی از اساتیدش عبارتند از: آیات عظام ۱. شهید محراب حاج سید اسدالله مدنی ۲. حاج شیخ حسین راستی کاشانی ۳. حاج سید محمد حسین شاهرودی ۴. حاج سید مرتضی فیروز آبادی ۵. سید ابولقاسم خویی.

## نوای گرم کافی در حرم حسینی

کافی در زمان تحصیل در نجف اشرف با آیت الله شهید سید اسد الله مدنی رحمته الله علیه آشنا شد؛ شور و اشتیاق دینی و اخلاص و صفای باطن کافی که یک طلبه جوان بود، نظر آیت الله مدنی رحمته الله علیه را به خود جلب کرد و از آنجا که در خواندن دعاها

کمیل و ندبه و با صوت حزین مهارت ویژه‌ای داشت، از سوی آن عالم جلیل القدر مأموریت یافت تا در شبهای جمعه، دعای کمیل را در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام برای زائران حسینی قرائت کند.<sup>۱</sup>

### مجالس پرشور کافی

مرحوم کافی پس از اقامت در تهران به صورت جدی وارد فعالیتهای تبلیغی شد و از آنجا که عشق و علاقه وافری به تبلیغ داشت، توانست به توفیقات چشمگیری دست یابد.

منبرهای او مورد استقبال شدید مردم واقع شد و آوازه کافی و سخنان وی به سایر شهرهای کشور رسید و مردم شهرهای دور و نزدیک او را دعوت می‌کردند. گاهی با یک سخنرانی می‌توانست در وجود شنوندگان، انقلاب درونی به وجود بیاورد و برای آنها حضور جدی و توجهی عمیق به مسائل مذهبی و اخلاقی و اجتماعی پدیدار نماید و آنها را با قلبهایی آکنده از عشق و علاقه به خاندان نبوت صلی الله علیه و آله همراه گرداند.

### برگزاری دعاهای کمیل و ندبه

یکی از برنامه‌های جالب و ابتکاری واعظ دلسوخته اهل بیت علیهم السلام برگزاری جلسات دعاهای کمیل و ندبه بود که در مسافرتها نیز ترک نشد. او که در نوجوانی کار خواندن دعای کمیل را در حرم مطهر رضوی آغاز کرده بود، بعدها در حرم حسینی آن را تداوم بخشید و بعد از استقرار در تهران این کار را با قدرت و همت فوق العاده ادامه داد. همچنین یکی از اقدامات مرحوم کافی برگزاری دعای ندبه در صبح‌های جمعه بود که نقش بسیار ارزشمندی در آشنا ساختن قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان با امام زمان علیه السلام داشت. مراسم ابتدا در منزل ایشان در صبح‌های جمعه منعقد می‌گردید و کم کم با خرید خانه‌های قدیمی واقع در مکان فعلی مهدیه و احداث مکان مقدس مهدیه، این برنامه را اجرا می‌کردند.

۱. زندگی نامه عاشق دل‌باخته امام زمان علیه السلام، محمدرضا معادینخواه، ص ۳۲.

## خاطرات تبلیغی کافی

مرحوم کافی در طول مسافرتهاى تبلیغی خود قضایای تلخ و شیرین فراوانی دارند که به مناسبت برخی از آنها را در بالای منبر بیان می‌کرد که در اینجا به اختصار به نقل یکی از آنها می‌پردازیم: یک وقتی در ماه رمضان در آبادان منبر می‌رفتیم، روزی به هنگام عبور از خیابان زند آبادان دیدم یک بستنی فروشی باز است و چند نفر هم مشغول خوردن بستنی هستند، رفتم داخل مغازه که نهی از منکر کنم و بعد از صحبتها گفتم می‌دانی که از نظر دین تظاهر به روزه خواری حرام است؟ و از لحاظ قانون هم تظاهر به روزه خواری قدغن است؟ چرا بستنی می‌فروشی؟ بستنی فروش گفت آقا این حرفها چیه؟ آخوند بازی در آوردی. زن و بچه آدم نان می‌خواهند. بالاخره بستنی فروش زیر بار نرفت و ما برای اقدام قانونی مجبور شدیم به کلانتری برویم؟ رفتیم داخل کلانتری اتاق افسر نگهبان تا در را باز کردم رفتم تو دیدم افسر نشسته کلاهش هم روی میز گذاشته و دارند بستنی می‌خورند، سلام [کردم]، سلام [کرد و گفت] امری داشتید؟ گفتم نه در را بستم و آمدم بیرون. آن افسر آمد روی پله‌ها [و گفت] فرمایشی داشتید؟ گفتم نه، گفت آخه یک کاری داشتید شما، اینجا کلانتری است. گفتم بله یک کاری داشتم ولی پشیمان شدم، گفتم یارو توی خیابان بستنی می‌فروخت آمدم اینجا شکایت کنم، دیدم خودت هم می‌خوری من به کی شکایت بکنم؟ دید این بد جورى شد، گفت: آخه می‌دانی جناب آقای کافی آخر خود اسلام هم می‌گوید لیس له مریضاً حرج؛<sup>۱</sup> آیه قرآن خواند برایم. آدم مریض حرجی برایش نیست و اینها. گفتم شما مریضی؟ گفت بله. گفتم برای کدام مرض بستنی خوب است؟ فقط در یک مورد اگر لوزتینش را عمل کند برای کاهیدن از حرارت گلو اطباء دستور می‌دهند بستنی بخور. شما لوزتین تان را عمل کردی؟ گفت نه و حالا اگر مریض هم باشی آخر اینجا محل کارت است، جای رفت و آمد مردم و مراجعات آنها است، اگر

۱. آیه «وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ» را این شکلی خواند.

می‌خواهی برو توی صندوق خانه اتاق، نه پشت این میز. گفت در عین حال خواهش می‌کنم اغماض بفرماید. گفتم حالا اگر خودت هم بستنی می‌خوری جلوی این را بگیر. چون گناه فردی غیر از گناه اجتماعی است، گاهی خدا از گناه فردی می‌گذرد، از گناه اجتماعی نمی‌گذرد.<sup>۱</sup>

### دفاع از امام و روحانیت

ارتباط روحانیت با مردم همواره یک پیوند عمیق و پایدار و ناگسستنی بوده است. این نهاد همیشه در طول تاریخ پر افتخار خود با حمایت مردم اقدامات و خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و زمانی که برخی از چهره‌های معروف روشنفکر تر اسلام منهای روحانیت را علناً تبلیغ و ترویج می‌کردند و عالمان دین و خادمان شریعت را به بهانه درباری بودن به باد توهین و ناسزا می‌گرفتند و آشکارا به مراجع بزرگوار شیعه اهانت روا می‌داشتند، مرحوم کافی در برابر این تبلیغات مغرضانه دشمنان و جهالت نابخردان علیه روحانیت، موضع‌گیری داشت. کافی با شهادت بی‌مانند، از جامعه روحانیت و زعمای شیعه به ویژه امام علیه السلام، آشکارا در آن فضای رعب و وحشت به نیکی یاد می‌کرد و در ضمن دعا از شخصیت وی تکریم و تمجید می‌نمود.<sup>۲</sup>

### فعالیت سیاسی

هرچند برخی تلاش دارند فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی مرحوم کافی را به بهانه این که در عرصه تبلیغ همواره به مسائل و معضلات اجتماعی و فرهنگی می‌پرداخت، نادیده بگیرند، ولی انصاف این است که بر اساس اسناد ساواک، او از چهره‌های فعال و مبارز و طرفدار امام علیه السلام بود که در حیات تبلیغی خود نه تنها در امور سیاسی مملکت بی‌تفاوت نبود، بلکه بخاطر ورود به عرصه سیاسی و سخنرانی‌های افشاگرانه علیه رژیم، بارها دستگیر و روانه زندان گردید و متحمل

۱. کافی در خاطره‌ها، دکتر مهدی کافی، ص ۱۷۴ - ۲۶۹.

۲. کافی واعظ شهیر، دکتر مهدی کافی، ص ۴۴.

شکنجه‌های فراوان شد. منبرهای مرحوم کافی مورد تأیید و ستایش بزرگان، به ویژه امام راحل علیه السلام بوده است،<sup>۱</sup> و ایشان همواره از رهنمودهای بزرگان انقلابی همچون آیت الله مدنی بهره مند گردیده است. وی به عنوان یک روحانی مخالف رژیم برای ساواک شناخته شد.

### در آستانه پیروزی انقلاب

مرحوم کافی از ارادتمندان واقعی حضرت امام علیه السلام بود که از سال ۱۳۴۱ تا پایان حیات، همواره در صحنه‌های مختلف انقلاب حضور جدی داشت. او در زمانی که منزلش به علت برگزاری مراسم دعای کمیل و دعای ندبه، کانون رفت و آمد مردم بود، با نصب تمثال حضرت امام علیه السلام در منزل خویش که در معرض دید مردم بود، عشق و ارادت خویش را به آن مرجع و الامقام نشان داد و یاد و خاطره آن بزرگوار را در اذهان عموم مردم زنده نگه داشت و با یاد کردن از امام علیه السلام، از شخصیت ایشان تجلیل می‌کرد. مرحوم کافی همچنین به مناسبت شهادت حاج آقا مصطفی خمینی علیه السلام مجلس با عظمتی را در مهدیه منعقد ساخت که این امر موجب خشم و عصبانیت رژیم طاغوت شد.<sup>۲</sup>

### رحلت غم انگیز

استاد محقق «علی دوانی» درباره رحلت غم انگیز مرحوم کافی و حوادث قبل و بعد از مرگ نابهنگام او چنین می‌نویسد: درایامی که در تهران و شهرستانها قیام مردم مسلمان بر ضد رژیم طاغوت وسعت بیش تری به خود می‌گرفت و از جمله در ۲۸ خرداد به مناسبت کشتار مردم قم و یزد و جهرم و کازرون، تظاهراتی در سراسر کشور برپا گردید و طی آن عده‌ای کشته و مجروح شدند، در اول مرداد ۱۳۵۷ مصادف با ۱۵ شعبان ۱۳۹۸ مرگ نابهنگام مرحوم حاج شیخ احمد کافی خراسانی واعظ معروف رخ داد. مرحوم کافی که خدمات او در مهدیه تهران و

۱. کافی واعظ شهیر، دکتر مهدی کافی، ص ۸.

۲. همان، ص ۱۸۴.

دیگر نقاط ایران و به راه آوردن بسیاری از مردم کوچه و بازار و توجه دادن آنها به خط مشی امام خمینی علیه السلام سهم به سزایی داشت و خود چند بار دستگیر و زندانی و تبعید شده بود، در راه مشهد که به زیارت می‌رفت، در یک سانحه تصادف، جان خود را از دست داد و مرگ او موجی از غم و اندوه در میان ارادتمندانش و عامه مردم مسلمان و روحانیون پدید آورد، به خصوص که گفته شد تصادف هم عمدی بود است. والله العالم. جنازه مرحوم کافی را طبق وصیت به تهران آوردند و در مهدیه نگاه داشتند تا پس از خواندن دعای ندبه در صبح جمعه،... به مشهد برده و دفن کنند، ولی رژیم اجازه نداد و جنازه را به زور از مردم گرفت و با هواپیما به مشهد برد و حتی نگذاشتند در جایی که بنا بود دفن شود و از بیم هجوم مردم ناراضی و انقلابی، جنازه را در بیرون مشهد در مقبره خواجه ربیع دفن کرد و این برخشم بیش‌تر مردم افزود. در این حادثه مردم تهران و مشهد و دیگر شهرستانها، نفرت بیش‌تری نسبت به دستگاه جبار پیدا کردند و مرگ مرحوم کافی ضریب کوبنده دیگری بر پیکر رژیم ضد مردمی وارد ساخت.

به دنبال رحلت مرحوم کافی مجالس بزرگداشت با شکوهی در همه شهرهای کوچک و بزرگ ایران برگزار گردید و مردم بعد از اتمام مجالس ختم به صورت خود جوش طیّ تظاهراتی خشم و اعتراض خود را به رژیم طاغوت ابراز می‌داشتند و خاطره آن بلبل خوش الحان بوستان حضرت مهدی علیه السلام را گرامی داشتند. آن که یک عمر گفت مهدی جان، داد در روز عید مهدی جان. البته در تشییع جنازه مرحوم کافی در ۱۶ شعبان در مشهد مقدّس مردم خشمگین و مسلمان با مأموران رژیم درگیر شدند که در این حادثه عده‌ای شهید و مضروب شدند که شرح حوادث مفصل است.<sup>۱</sup>

۱. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۷ و ۸، ص ۱۹۶-۱۹۴.

## فهرست منابع

۱. کافی، مهدی، کافی در خاطره‌ها، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۸۸ش.
۲. کافی، مهدی، کافی واعظ شهیر، مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۸۶ش.
۳. معادیخواه، محمد رضا، زندگی نامه عاشق دلباخته امام زمان علیه السلام، نسیم حیات قم، ۱۳۷۹ ش.
۴. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱ش.

